

خلیج فارس، قربانی بی‌صدای سوداگری نفت و جنگ

از محسن نجات حسینی

خلیج فارس با ذخایر عظیم نفتی و موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک، همواره در کانون رقابت‌های اقتصادی و منازعات منطقه‌ای بوده و به قربانی بی‌صدای سوداگری نفت و جنگ تبدیل شده است. خلیج فارس با مساحت ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع و میانگین عمق کمتر از ۳۵ متر، به دلیل نیمه‌بسته بودن و تبادل محدود با آب‌های آزاد، از آسیب‌پذیرترین اکوسیستم‌های دریایی جهان است. این پهنه آبی حدود ۶۰ درصد ذخایر نفتی جهان را در خود جای داده و همین ویژگی، آن را به میدان اصلی سوداگری نفتی و منازعات منطقه‌ای تبدیل کرده است.

از سال ۱۹۱۳ میلادی (۱۲۹۲ خورشیدی) با بهربرداری از پالایشگاه آبادان و انتقال نفت از میادین مسجدسلیمان به ساحل خلیج فارس، محموله صادراتی نفت خام و فرآورده‌های نفتی به‌طور گسترده روانه بازارهای جهانی شد. از آن زمان نفتکش‌هایی که به خلیج فارس می‌آمدند، برای حفظ تعادل، مخازن خود را از آب دریا پر می‌کردند و پیش از بارگیری نفت، آب توازن در مخازن را که آغشته به حدود ۷ درصد نفت بود، در خلیج فارس رها می‌کردند. تکرار این عمل در طول ده‌ها سال، خلیج فارس را به یکی از آلوده‌ترین پهنه‌های آبی جهان تبدیل کرد. این روش از دهه ۱۹۹۰، تحت فشار سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO)، تدریجاً کنار گذاشته شد و نفتکش‌های دو جداره با جداسازی مخازن آب توازن از مخازن نفت، نیاز به تخلیه محموله آبی نداشتند. با این حال، در شرایط جنگی یا سوانح، مانند جنگ جاری، گاهی مخازن آسیب می‌بینند و آلاینده‌های نفتی به آب‌های خلیج فارس رسوخ می‌کنند.

آلودگی آب

نشت هیدروکربن‌ها از سکوها و فراساحل، لوله‌های نفتی زیر دریا، و نفتکش‌ها، هدف قرار گرفتن تأسیسات نفتی، تخلیه آب توازن، ورود فاضلاب‌های صنعتی و خانگی بدون تصفیه، پساب‌های کشاورزی و فلزات سنگین مانند جیوه، سرب و کادمیوم، از عوامل اصلی آلودگی هستند. نتیجه این فرایندها کاهش اکسیژن محلول در آب، نابودی مرجان‌ها و پلانکتون‌ها (جانداران بسیار ریز و میکروسکوپی آب‌های شور و شیرین) و کاهش ذخایر ماهیان و برهم خوردن تعادل اکولوژیکی منطقه است. خودپالایی پایین خلیج فارس به دلیل نیمه‌بسته بودن این پهنه آبی، ماندگاری آلاینده‌ها را افزایش می‌دهد.

آلودگی سواحل

سواحل خلیج فارس نیز قربانی پیامدهای سوداگری نفتی و جنگ شده است. ریزش‌های نفتی، لایه‌های چسبناک نفت را بر ماسه‌ها و صخره‌ها بر جای می‌گذارد که پاکسازی آن‌ها دشوار است. تخلیه زباله‌های پلاستیکی، ساخت‌وسازهای بی‌رویه، تخریب جنگل‌های مانگرو (گیاهان پایدار در آب شور) و گسترش صنایع آلاینده، فرسایش سواحل را تسریع کرده و حیات پرندگان دریایی، لاکپشت‌ها و جانداران ساحلی را به خطر انداخته است. پساب‌های شور شیرین‌کننده‌های آب در کشورهای خلیج فارس نیز با افزایش شوری و دمای آب، زیست بوم‌های حساس را دشوار می‌کند. این آلودگی‌ها به صنعت شیلات نیز آسیب می‌رساند.

آلودگی هوا

سوزاندن گازهای همراه نفت در سکوها و پالایشگاه‌ها، تردد ناوهای تجاری یا جنگی و هزاران کشتی با سوخت سنگین حاوی گوگرد، صنایع پتروشیمی، سیمان، فولاد و نیروگاه‌ها، از منابع اصلی انتشار دی‌اکسید کربن، دی‌اکسید گوگرد، اکسیدهای نیتروژن و ذرات معلق هستند. آتش‌سوزی چاه‌های نفت در حمله عراق به کویت در سال ۱۳۶۹ و جنگ آمریکا و ائتلاف علیه عراق در همان سال و جنگ دوم آمریکا و ائتلاف به عراق در سال ۱۳۸۲، همچنین بمباران‌های وحشیانه آمریکا و اسرائیل در جنگ جاری، افزون بر طوفان‌های گردوغبار عراق، عربستان و ایران، کیفیت هوا را بشدت آلوده کرده است. آلودگی هوا و تشکیل باران‌های اسیدی، علاوه بر آسیب به زیست جانوری و گیاهی، به‌کاهش دید و افزایش بیماری‌های تنفسی، قلبی و پوستی می‌انجامد.

اثرات غرق شدن شناورها در جنگ جاری

شناورهای غرق‌شده در جنگ جاری عمدتاً نفتکش‌های فعال حامل محموله‌های سنگین هستند و اثرات آن‌ها فوریت، تداوم و گستردگی دارد. نفتکش‌های غرق‌شده در تنگه هرمز به «بمب‌های ساعتی زیست‌محیطی» تبدیل شده‌اند که مخازن زیرآب آن‌ها همواره نشت می‌کند. داده‌های ماهواره‌ای نشان می‌دهد که پنج لکه نفتی به مساحت مجموع ۲۴۰ کیلومتر مربع در تنگه هرمز پدید آمده است. آلودگی نفتی در دوران جنگ حدود دو برابر دوران غیرجنگی است.

آلودگی نفتی، مانگروهای قشم و پارک ملی و منطقه حفاظت‌شده موساند در عمان را هدف گرفته و نفت چسبیده به ریشه‌های هوایی «حرا»، تبادل گاز را مختل و به مرگ درختان می‌انجامد. سواحل عمان و ایران از زیستگاه‌های مهم لاکپشت پوزه‌عقابی و سبز هستند و نفوذ نفت به ماسه‌ها، جنین‌های تخم را از بین می‌برد. تصاویر جزیره شیدور (مارو) نشان می‌دهد پرندگان، لاکپشت‌ها و خرچنگ‌ها در توده‌های قیرمانند گرفتار شده‌اند. بر اساس پژوهش‌های اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN)، لاشه‌ها ممکن است حاوی مهمات منفجر نشده و آلاینده‌های شیمیایی باشند. سوختن نفتکش‌ها نیز هیدروکربن‌های آروماتیک چندحلقه‌ای، فلزات سنگین و دوده‌های سمی تولید می‌کند که از طریق رسوب اتمسفری وارد آب می‌شود.

پیامدهای بلندمدت شامل اختلال در اکوسیستم‌ها، تجمع سموم در زنجیره غذایی و تهدید سلامت مصرف‌کنندگان فرآورده‌های دریایی است. در شهرستان «سیریک»، آلودگی به کانال‌های پرورش میگو رسیده و در بخش‌هایی از سواحل جنوبی ایران شنا و غواصی ممنوع شده است.

خلیج فارس قربانی بی‌صدای دو نیروی مخرب

سوداگری نفتی که بدون توجه به هزینه‌های زیست‌محیطی، منابع را استخراج و غارت می‌کند، و جنگ‌های منطقه‌ای با هدف قرار دادن تأسیسات نفتی و شناورها این تخریب را تشدید می‌کند. آلودگی آب، سواحل و هوا، همراه با اثرات غرق شدن شناورها در جنگ جاری و بقایای آب آلوده توازن نفتکش‌ها، لایه‌های به هم پیوسته یک بحران زیست‌محیطی را شکل می‌دهند که سال‌ها بر سلامت انسان، امنیت غذایی و اقتصاد منطقه تأثیر می‌گذارد. وجود لاشه‌های نفتکش‌های غرق‌شده در بستر دریا، تهدیدی مستمر برای اکوسیستم خلیج فارس خواهند بود. بدون همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی برای کاهش وابستگی به نفت و توقف جنگ‌ها و خارج کردن شناورهای غرق‌شده، و نیز بدون اجرای سیاست‌های مؤثر در جهت حفاظت از محیط زیست، خلیج فارس همچنان قربانی بی‌صدا

(آلودگی فاجعه بار زیست محیطی خلیج فارس محصول مستقیم سوداگری نفتی و جنگ‌های منطقه‌ای است)